



مبادی کلامی و فقهی مدیریت انتظارات تورمی در بانکداری اسلامی

دکتر محمدرضا حیدری*

دکتر ایمان باستانی فر**

* دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

** دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

چکیده

یکی از اهداف مقام پولی حداقل کردن نرخ تورم است. تورم دو منشأ عینی و ذهنی دارد که حکومت اسلامی باید از لحاظ نظری مبنی بر مفهوم حکومت و نیز رابطه حکومت (حاکم شرع) و امت اسلامی و نیز در مقام عمل براساس قواعد فقهی متعارف مانند عدالت، سلطنت، اقدام، ائتلاف، غرور، لاضرر، و... از بروز آن جلوگیری کند. تورم انتظاری به‌عنوان عامل بروز رکود تورمی، در نظام بانکداری متعارف، به شدت مورد توجه و بحث قرار گرفته است. زیرا در نظام سرمایه‌داری، برنامه‌ریز از یک سوی، باید تورم را حداقل کند ولی از سوی دیگر، هرگونه افزایش

تورم از تورم انتظاری (هدفگذاری شده) که سیاست فریب^۱ نامیده می‌شود، به دلیل کاهش ارزش واقعی بدهی‌ها، تأمین کسری بودجه از طریق مالیه تورمی و کاهش شکاف نرخ بیکاری از میزان طبیعی، منفعی در بر دارد. ریشه اصلی سیاست فریب، به ریشه‌های شکل‌گیری انتظارات شامل سوءظن بنگاه‌های اقتصادی به مقام پولی، کوتاه‌بینی بنگاه‌ها در کسب منافع و جداسازی اهداف اقتصادی دولت از ملت است. لیکن آیا ریشه‌های مذکور از منظر اندیشه‌ی اسلام مورد تأیید است؟ و آیا از منظر اندیشه اسلام، مقام پولی می‌تواند در جهت مدیریت انتظارات تورمی از سیاست فریب استفاده کند؟ در این مقاله، ضمن تحلیل و نقد ریشه‌های انتظارات تورمی در نظام سرمایه‌داری، به روش اکتشافی و با استناد به آیات و روایات نشان داده می‌شود که اول آنکه ریشه‌های شکل‌گیری انتظارات تورمی در نظام سرمایه‌داری به دلیل مبادی کلامی و قواعد فقهی نقدپذیر است. دوم آنکه، مقام پولی در نظام بانکداری اسلامی مجاز به استفاده از سیاست فریب، برای افزایش منافع نمی‌باشد. سوم آنکه، در الگوی پیشنهادی جدید مبتنی بر الگوی شهرت برو (۱۹۸۳)، نشان داده می‌شود، با در نظر گرفتن ریشه‌های شکل انتظارات تورمی در اندیشه اسلام، همچون، حسن ظن به مقام پولی، معاد محوری و قواعد لزوم و صحت، بدون استفاده از سیاست فریب، می‌توان منافع بیشتری برای جامعه در چارچوب روش‌های مصلحت‌گرایی^۲ و قاعده‌گرایی^۳ سیاست پولی به دست آورد.

طبقه‌بندی JEL: G21, G28

کلمات کلیدی: انتظارات تورمی، سیاست فریب، قواعد فقهی، بانکداری اسلامی.

¹ Cheating

² Discretion

³ Rule

مقدمه

اسلام نظام جامع نیل انسان به سعادت و فلاح در قلمرو افکار، امیال و افعال است. ایمان و عمل صالح، ضامن دستیابی به حیات طیبه و آرمان شهر متناسب با سرشت انسان‌هاست. حکومت اسلامی نیز ضامن نیل آحاد امت اسلامی به سعادت است. حاکم شرع وظیفه دارد با استقرار عدالت، حقوق همگان را در فرایند زندگی اجتماعی استیفا کند تا براساس آرامش برآمده از اعطای حقوق متقابل همه مردم امکان بهره‌برداری از فیض الهی برای دستیابی به کمال انسانی فراهم شود. اقتصاد رکنی از ارکان زندگی بشری است و اسلام نسبت به این رکن به موازات ارکان دیگر بهای کافی و لازم را داده است. جامعه اسلامی برای تعالی همه جانبه، از جمله رشد اقتصادی، عمران و آبادانی، کارایی و رفاه، عدالت اجتماعی و نهادینه سازی فضایل و مکارم اخلاقی در ارکان امت اسلامی، اعم از حاکمیت و مردم نیازمند، الگویی است که در آن تعامل سازنده‌ای بین نهادهای حاکمیت، نخبگان و کنشگران اقتصادی ایجاد گردد (حسینی بهشتی، بی تا، صص ۱۴-۶).

الگوی موردنظر بدون تردید تورم، بیکاری، فقر و نابرابری و سایر موانع اقتصادی و اجتماعی تحقق حیات طیبه و ابتغاء دارالآخره را بر نمی‌تابد. بر این اساس لازم است مبادی کلامی، اخلاقی و فقهی دین اسلام برای تدوین الگوی موردنظر استخراج و براساس آن نظام اقتصادی و زیرنظام‌های آن از جمله زیر نظام پولی ساخته و پرداخته شود.

تورم عارضه‌ای اقتصادی است که متضمن عوارض اجتماعی فراوان است. مقام‌های اقتصادی از جمله مقام پولی و مقام مالی در پیشگیری از بروز تورم به ویژه تورم انتظاری نقش بسزایی دارند. این مقاله تلاش می‌کند زیرساخت معرفتی نظام اسلامی برای شکل‌دهی باورهای بنیادین، نظام ارزشی و رژیم حقوقی برآمده از آن را کرده و به کمک یک الگو اثبات کند التزام به باورها و تعهد به رفتارهای مستخرج از عقاید و

قواعد مذکور چگونه می‌تواند با جلب اعتماد کارگزاران اقتصادی، از بروز انتظارات تورمی مخل سیاستگزاری بهینه‌ی پولی پیشگیری کند.

در اقتصاد متعارف پدیده تورم انتظاری در توجیه بروز رکود تورمی در چارچوب منحنی فیلیپس تعدیل شده تحلیل می‌شود. در این چارچوب افزایش انتظارات تورمی باعث جابه‌جایی منحنی مذکور به سمت بالا و افزایش توأمان تورم و بیکاری می‌شود. بنابراین، شناخت ریشه‌های شکل‌گیری انتظارات تورمی در نظام بانکداری متعارف مانند: ارزش‌ها، منافع اقتصادی، کوتاه‌بینی، جداسازی منافع و اهداف برنامه‌ریز از بنگاه‌های اقتصادی، و نیز تحلیل و نقد ریشه‌های مذکور در جهت پیشگیری و کنترل تورم رکودی در نظام بانکداری اسلامی اهمیت خواهد داشت.

از سوی دیگر، برنامه‌ریز و مقام پولی باید تورم را به‌عنوان یک هدف کلان اقتصادی کنترل کند. لیکن وجود تورم، اضافه بر تورم انتظاری (هدفگذاری شده)، برای برنامه‌ریز منافی مانند تأمین کسری بودجه از طریق مالیه تورمی، کاهش شکاف نرخ بیکاری از میزان نرخ طبیعی دارد (برو، ۱۹۸۳، صص: ۱۰۴-۱۰۲). در این حالت، سیاست تورم غافل‌گیرانه که سیاست فریب است، با افزایش تورم بیشتر از تورم انتظاری می‌تواند منافی برای برنامه‌ریز داشته باشد، در صورتی که برنامه‌ریز باید تورم را هم کنترل کند. بنابراین، تناقض کنترل تورم در عمل، برای برنامه‌ریز پدیدار می‌شود. لیکن نظام بانکداری متعارف، درصدد حذف سیاست فریب نیست، بلکه با عباراتی چون کارایی فریب، بهینگی سیاست فریب پولی و ... سعی در توجیه مشروعیت آن دارد (آروفویچ و کاستشینا، ۲۰۰۵). بنابراین، با پذیرفتن سیاست فریب، هرگونه سیاست مرتبط با نرخ تورم مانند: نرخ سود، حجم پول و نرخ ارز، باید در عمل، همواره نسبت به آنچه قول داده می‌شود متمایز شود. اکنون پرسش این است که آیا این روش سیاستگذاری در اندیشه اسلامی مورد پذیرش قرار می‌گیرد؟

خداوند متعال در آیات^۱ دوم و سوم سوره مبارکه صافات، به روشنی مومنان را از تناقض میان قول و عمل پرهیز داده است. امیرمومنان(ع) در ابتدای خطبه ۱۶ برای تبیین سیاست‌های حکومتی چنین بیان کند: «آنچه را می‌گویم بر عهده می‌گیرم و نسبت به آن پایبندم»^۲. بنابراین، به نظر می‌رسد مدیریت انتظارات تورمی در اندیشه اسلامی با نظام اقتصاد و بانکداری متعارف در تناقض باشد. برای رفع این تناقض، ضرورت تبیین و تدبیر به منظور دستیابی به راه‌کارهای اساسی لازم است.

این مقاله در شش بخش تهیه شده است. بخش اول، به اهمیت انتظارات تورمی در علم اقتصاد می‌پردازد. در بخش دوم مطالعات مرتبط با مدیریت انتظارات تورمی در علم اقتصاد متعارف می‌پردازد. در بخش سوم، ریشه‌های انتظارات تورمی در نظام سرمایه‌داری تحلیل می‌شود. بخش‌های چهارم و پنجم مبادی کلامی و فقهی مدیریت انتظارات تورمی در اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بخش ششم، الگوی پیشنهادی ارائه و تحلیل می‌شود. در پایان نیز به جمع‌بندی و ارائه پیشنهادات پرداخته شده است.

۱- اهمیت انتظارات تورمی در اقتصاد

۱-۱- رکود تورمی

رکود تورمی شرایطی است که در آن سطح قیمت‌ها و بیکاری توأمان افزایش می‌یابد (دورهام، ۱۹۷۶، ص: ۱). این اصطلاح نخستین بار توسط سیاستمدار انگلیسی، لین مک لود^۳، در سال ۱۹۶۵ در یک سخنرانی در مجلس انگلستان درباره

^۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۲). كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (۳).

^۲ ذمته بما اقول رهینه و انا به زعیم

^۳ Iain Macleod

وضعیت توأمان تورم و رکود حاکم بر اقتصاد انگلستان در دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی مطرح شد (نلسون و نیکولوف، ۲۰۰۲، ص ۹).

با توجه به مبانی نظری، تغییر در انتظارات تورمی باعث جابه‌جایی منحنی فیلیپس تعدیل شده^۱ می‌شود. این مسئله می‌تواند منجر به رکود تورمی شود. بنابراین، مدیریت و کنترل انتظارات تورمی، نقش بسزایی در کنترل و جلوگیری از بروز رکود تورمی دارد.

۲-۱- سیاست فریب

از کاربردهای مدیریت انتظارات تورمی در بانکداری متعارف، سیاست فریب است. مقام پولی از یک سو باید تورم را کنترل کند و از سوی دیگر افزایش تورم اضافه بر تورم مورد انتظار جامعه منافی در بردارد. حال اگر مقام پولی، در ابتدا تورم را در نرخ مشخصی هدفگذاری کند، انتظارات تورمی به سمت تورم هدفگذاری شده هدایت می‌شود. لیکن اگر مقام پولی به دلیل منافع افزایش تورم (مالیه تورمی، کاهش شکاف نرخ بیکاری از میزان نرخ طبیعی)، در عمل تورم بیش‌تری به جامعه تحمیل کند، از سیاست فریب استفاده کرده است. ورود این پدیده در ابعاد سیاستگذاری پولی، بیانگر مشروعیت دادن به دروغ‌گویی مقام پولی نسبت به مردم و بنگاه‌های اقتصادی است که بی‌تردید از منظر اندیشه دینی قابل تأمل است.

۲- مطالعات مرتبط با مدیریت انتظارات تورمی

انتظارات تورمی از مسائل مهم در اقتصاد کلان و سیاستگذاری‌های پولی است که در ادامه به برخی از مطالعات پایه‌ای و بنیادی در زمینه مدیریت انتظارات تورمی در اقتصاد پولی اشاره می‌شود.

^۱ APC: Augmented Phillips curve

۱-۲- مدیریت انتظارات تورمی از طریق قاعده

کیدلند و پرسکات (۱۹۷۷) یکی از مطالعات برجسته را در عرصه آثار انتظارات تورمی و نحوه کنترل آن بیان کرده‌اند. در چارچوب انتظارات عقلایی، فرض بر این است که سیاست‌های آتی دولت به‌عنوان یک متغیر تاثیرگذار بر تصمیم‌های امروز بنگاه‌های اقتصادی باشد^۱. در واقع سیاست‌های آتی دولت باعث بروز انتظارات تورمی در بنگاه‌های اقتصادی است. هر قدر بنگاه‌های اقتصادی برای تصمیم‌گیری از سیاست‌های آتی دولت آگاه باشند، یعنی تصمیم‌گیری دولت براساس قاعده-تصمیم در زمان حال برای اجرا در زمان‌های آتی- باشد، امکان شکل‌گیری انتظارات تورمی و تصمیم‌گیری در دوره زمانی و تسویه بازار براساس تصمیم‌های بنگاه‌های اقتصادی وجود دارد. لیکن اگر روش تصمیم‌گیری‌های پولی به دولت به‌صورت مصلحت‌گرایانه- تصمیم و اجرا در همان دوره - باشد، به دلیل شکل نگرفتن انتظارات تورمی، هر بنگاه اقتصادی بر اساس حدس و برآورد خود، انتظارات تورمی را برآورده و براساس آن تصمیم می‌گیرد. در این صورت بنگاه مسلماً برای کاهش ریسک ناشی از تورمزا بودن سیاست‌های آتی دولت، باید انتظارات تورمی را از آنچه به‌درستی محقق می‌شود بیش‌تر برآورد کند. وجود انتظارات تورمی باعث می‌شود تعادل‌های اقتصاد کلان از تعادل‌های بهینه مانا در طول زمان دور شود و با وجود قاعده سیاستی، که عامل حداقل‌کننده انتظارات تورمی است، سرانجام، تعادل‌های زیر بهینه مانا در اقتصاد کلان حاصل می‌شود. بنابراین وارد کردن متغیر انتظارات تورمی در الگوی تصمیم‌گیری بنگاه‌ها یعنی دستیابی به تعادل‌های بهینه اقتصاد کلان و در نتیجه مدیریت دولت بر انتظارات

^۱ مثلاً اگر دولت بگوید امسال حجم پول را ۱۰ درصد تغییر می‌دهیم یا سال آینده قرار است حجم پول ۱۰ درصد تغییر کند بر تصمیم‌گیری‌های زمان حال بنگاه‌های اقتصادی از طریق متغیر انتظارات تورمی مؤثر است.

تورمی مستلزم آن است که با قاعده‌گذاری در سیاست‌ها، به‌ویژه سیاست‌های پولی، منجر به حداقل کردن انتظارات تورمی در جامعه شود.

۲-۲- مدیریت انتظارات تورمی از طریق شهرت

برو (۱۹۸۳) و (۱۹۸۶)، اعتقاد دارد که قاعده، صرفاً بیان توصیفی است و به دلیل منفععی که افزایش تورم برای برنامه‌ریزان اقتصادی دارد، ضمانت اجرایی برای تعهد در اعمال قاعده وجود ندارد و به جای راهکار قاعده، راهکار شهرت را مطرح می‌کند. براساس این سیاست، برنامه‌ریز یا مقام پولی، در هر دوره تمایل به افزایش تورم اضافه بر تورم انتظاری و هدفگذاری شده، دارد. لیکن اگر بداند که با این کار شهرت و اعتبار وی از بین می‌رود و اثر سیاست پولی بر بنگاه‌ها خنثی می‌شود، تلاش بیش‌تری در کنترل تورم و چشم‌پوشی از منافع ناشی از افزایش تورم اضافه بر تورم انتظاری انجام می‌دهد. لیکن به هیچ وجه از منافع سیاست فریب چشم‌پوشی نمی‌کند و تنها با ترس از کاهش شهرت و اعتبار خود، سیاست فریب را بهینه می‌کند. پایبندی مقام پولی به اعمال سیاست‌های تورم هدفگذاری شده، باعث افزایش اعتبار و شهرت مقام پولی شده و اثرگذاری سیاست‌های پولی آتی را بر رفتارهای بنگاه‌های اقتصادی در زمان حال اثر بخش می‌کند و بدین صورت باعث مدیریت انتظارات تورمی می‌شود.

۲-۳- مدیریت انتظارات تورمی از طریق هدف تورمی^۱

از اوایل دهه ۱۹۹۰، هدف تورمی به‌عنوان نوعی قاعده سیاست‌گذاری در ادبیات اقتصاد پولی مورد توجه قرار گرفت. برخلاف روش قاعده کیدلند و پرسکات (۱۹۷۷) که قاعده بر نرخ سود یا حجم پول اعمال می‌شود، در هدف تورمی، بر نرخ تورم،

^۱ Inflation Targetting

هدفگذاری صورت می‌گیرد. وود فورد (۲۰۰۴)^۱ با تحلیل ارتباط هدف تورمی با سیاست بهینه پولی به بیان موفقیت برخی کشورها مانند انگلستان، کانادا، ونزوئلا و سوئد می‌پردازد. در این روش بانک مرکزی به‌عنوان یک نهاد مؤثر در کنترل تورم باید از فناوری تعهد^۲ استفاده کند. در این روش، بانک مرکزی با اختیارات و استقلال بیش‌تر سعی می‌کند که انتظارات تورمی را از طریق ارائه سیاست‌های پولی اثربخش و شفاف مدیریت کند. در واقع، بانک مرکزی به‌عنوان یک وکیل، نماینده ترجیحات بنگاه‌های اقتصادی است و حداقل مداخله در نرخ‌های سود را اعمال می‌کند، زیرا که نرخ سود توسط بازار تعیین می‌شود. بنابراین با خارج کردن قدرت تصمیم‌گیری نرخ سود و بهره توسط بانک مرکزی و سپردن آن به بازار، امکان تعهد و الزام به اجرای هدف تورمی افزایش می‌یابد. لیکن همچنان امکان بروز سیاست فریب وجود دارد.

جمع‌بندی مطالعات مذکور دلالت بر آن دارد که کنترل انتظارات تورمی از دغدغه‌های مقام پولی است و مقام پولی حتی در شرایط هدف تورمی تمایل به سیاست فریب دارد. لیکن پرسش این است که ریشه‌های شکل‌گیری انتظارات تورمی در نظام سرمایه‌داری چیست؟ و آیا این ریشه‌ها در اندیشه اسلامی مورد تایید است؟ در ادامه پرسش‌های مذکور تحلیل می‌شود.

۳- انتظارات تورمی در نظام سرمایه‌داری

در این قسمت در ابتدا ریشه‌های شکل‌گیری انتظارات تورمی در نظام سرمایه‌داری بیان و سپس در بخش بعدی با استفاده از آموزه‌های کلامی و فقهی دین اسلام، ریشه‌های موردنظر نقد می‌شود.

^۱ Woodford

^۲ Technology of Commitment

۳-۱- ریشه‌های انتظارات تورمی در نظام سرمایه‌داری

۳-۱-۱- واقع‌گرایی

بر مبنای واقع‌گرایی باورها، اعتقادات و ارزش‌ها در شکل‌گیری انتظارات مؤثر نیست و در واقع ریشه شکل‌گیری انتظارات، عامل بیرونی است و نه عوامل درونی. به اعتقاد کینز، بروز انتظارات مبتنی بر عوامل واقعی در خارج است. مثلاً یک درصد تغییر در درآمدها، $0/8$ درصد باعث تغییر در انتظارات می‌شود. این اعتقاد برای پول‌گرایان و کلاسیک‌های جدید نیز وجود دارد. تنها تفاوت آن‌ها در نحوه شکل‌گیری انتظارات در قالب انتظارات تطبیقی و عقلایی است. در واقع ریشه شکل‌گیری انتظارات در نظام سرمایه‌داری واقع‌گرایی است. یعنی واقعیتی وجود دارد که براساس آن واقعیت امکان تغییر در منافع بنگاه‌ها شکل می‌گیرد. این واقعیت ساخته ذهن بشر است.

۳-۱-۲- کوتاه‌بینی

دلیل بروز انتظارات تورمی، کوتاه‌بینی است (اورلند و روس، ۲۰۱۱). در مقام تصریح الگو، افراد براساس اطلاعات گذشته یا آینده براساس وقفه‌های کوتاه‌مدت متأثر می‌شوند.

۳-۱-۳- جدایی دولت و مردم

از منظر ارتباط ملت و حکومت، بازی منافع مطرح نیست. در نظام سرمایه‌داری، منافع دولت با مردم در تعارض است. دولت به دنبال کسب مالیات، کاهش تورم و ... که این اقدامات با منافع خرد در تعارض قرار می‌گیرد.

۲-۳- مدیریت انتظارات تورمی در نظام سرمایه داری

به نظر جاکوب فرانکل (فرانکل، ۱۳۸۲، ص ۱۹) هنگامی که دولت‌ها هدف را تعیین می‌کنند و بانک مرکزی از ابزار در دسترس خود برای رسیدن به اهداف استفاده می‌کند، مسئولیت و تعهد مشترک برای مبارزه با تورم مشهود است و راهبرد تورم‌زدایی مشروعیت می‌یابد. از سوی دیگر، اگر اهداف را فقط بانک مرکزی مشخص کند، این خطر وجود دارد که دولت احتمالاً خود را در مبارزه با تورم شریک نداند. درحالی‌که، اگر دولت و بانک به شکل هماهنگ و مشترک به مبارزه با تورم بپردازند، مشخص می‌شود که ثبات قیمت‌ها یک اولویت ملی و همراه با سایر اهداف اقتصادی است و تنها هدف آرمانی بانک مرکزی نیست. این امر، وظیفه بانک مرکزی را در توضیح دلایل سیاست‌های خود به توده مردم و به بازار و در نتیجه، کسب و تقویت حمایت از مردم، که برای تلاش‌های پایدار تورم‌زدایی لازم است، تسهیل می‌کند. نتیجه اینکه در یک نظام مردم‌سالاری غربی، برای بانک‌های مرکزی بهتر این است که در اهداف به دولت وابسته بوده و در ابزار مستقل باشند. یعنی برای به‌کارگیری سیاست پولی، به‌منظور پیگیری هدف تعیین‌شده محدودیت نداشته باشند. (کمیجانی و سایرین، ۱۳۹۱)

۴- مبادی کلامی مدیریت انتظارات تورمی در اسلام

۴-۱- ولایت و حکومت؛ نقطه آغازین

شهید صدر (به نقل از پورفرد، ۱۳۸۸) در مورد نظام اجتماعی ارزشی، پنج ویژگی را بر می‌شمرد و سپس با در نظر گرفتن این پنج ویژگی، اسلام را یک نظام اجتماعی کامل معرفی می‌کند.

اول- تفسیر صحیح و واقع‌گرایانه‌ای از حیات و هستی بشر ارائه می‌دهد تا راه صحیح شناخت را بشناساند

دوم- با غرایز و عواطف بشری هماهنگ و سازگار باشد

سوم- به دنبال تغییر بینش بشر است، نه به دنبال تغییر سرشت او
 چهارم- توجه به معیارهای اخلاقی و معنوی، یکی از ارکان اساسی آن است
 پنجم- میان انگیزه‌های فطری و ارزشی با مصالح اجتماعی و عمومی، رابطه‌ای
 هماهنگ و موزون برقرار می‌سازد.

از نظر وی اسلام به‌عنوان یک نظام کامل اجتماعی، تمام این ویژگی‌ها را دارد.
 بر این مبنا حاکمیت پیش از هر چیز یک «حق طبیعی» است که ناشی از علاقه
 ذاتی مالک نسبت به مملوک است، که این همان حاکمیت حقیقی خداوند است و
 حاکمیت انسان همان حقی است که افراد انسانی بر مبنای آن می‌توانند سرنوشت
 جمعی خود را اداره کنند، و این حق اول آنکه ناشی از حق حاکمیت الهی است
 که تحت عنوان استخلاف و استئمام به انسان واگذار شده است و دوم آنکه
 اعتباری، نسبی و محدود است (صدر، ۱۳۹۹، صص ۵۰ - ۵۳) و سپس در ادامه
 بحث خود در مورد حاکمیت انسان می‌گوید: حاکمیت انسانی در زمین (دوران
 وحدت اولیه) به‌صورت خلافت انسان و استخلاف بود.

در مرحله دوم حاکمیت پیامبران (دوران تفرقه و اختلاف انسان‌ها) مطرح
 می‌شود در این دوره خلافت انسان و نظارت به‌دلیل عصمت پیامبران این دو خط
 با هم انطباق می‌یابند و در مرحله سوم حاکمیت ائمه اطهار(ع) و در مرحله چهارم
 در عصر غیبت دوباره «خلافت انسان» تحقق می‌یابد و افراد انسانی به اداره
 سرنوشت خود و جامعه خود می‌پردازند، ولی چون یک بُعد حاکمیت دینی است،
 ضرورت نظارت و گواهی «مراجع عام» در کنار حاکمیت انسان، همراه آن مطرح
 می‌شود و سرانجام مرحله پنجم تحقق دوباره حاکمیت امام معصوم(ع) است که
 در این مرحله در واقع دو خط خلافت و گواهی دوباره یکی می‌شوند(صدر، بی‌تا،
 ص ۱۷۰). سید محمدباقر صدر از این حاکمیت با ولایت اعطایی خداوند به بشر
 به‌صورت جعل تکوینی نام می‌برد و به‌طور کلی خلافت عمومی انسان را دارای دو
 وجه می‌داند:

الف- وجه الهی که استخلاف (خلافت انسان) یا استئمام (امامت دادن) که همان عرضه یا جعل تکوینی و فطری است.

ب- وجه انسانی که استئمان یا «امانت عمومی» که همان پذیرش بشر است که ذاتی اوست. سپس در جمع‌بندی این دو وجه می‌گوید.

پس جعل و عرضه خلافت عمومی بر بشر جنبه تکوینی دارد نه اکتسابی یا تشریحی و چون انسان ذاتاً زمینه و شرایط لازم را برای تحقق این حاکمیت داشته تکویناً و فطرتاً به‌صورت طبیعی و ذاتی مسئولیت آنرا بر دوش گرفت و بر این اساس خلافت عمومی انسان از بُعد بشری «امانتی عمومی» است. (صدر، بی تا، صص ۱۳۲-۱۳۴)

وی در نظریه خلافت عمومی، انسان را نماینده خدا در روی زمین با ویژگی‌های خاص می‌داند و از طریق رابطه توأمان فقیه به‌عنوان مسئول و ناظر با مشارکت توده مردم در سرنوشت خود از هرگونه نظام سیاسی استبدادی جلوگیری می‌کند. در بینش قرآن حقیقت انسان روح جاودانه اوست که از خدا نشأت گرفته و به سوی او باز می‌گردد و زندگی واقعی او در سرای آخرت است. انسان بر فطرت الهی آفریده شده و خود را به آن حقیقت وابسته و پیوسته می‌داند و می‌خواهد او را تسبیح و تقدیس کند. این ندای درونی به کمک رسولانی از برون، وی را به سوی کمال رهنمون می‌سازند. انسان خلیفه خدا در زمین است، از این رو می‌تواند در جهان تصرف کند و به مقام ولایت تکوینی برسد. لازمه این امر کرامت ذاتی و سپس کرامت اکتسابی او است که با نیل به کمال نهایی از طریق ایمان و عمل صالح به دست می‌آید. از این رو مختار است و می‌تواند خیر را بر شر و حسن را بر قبح رجحان دهد. قرآن مجید کمال نهایی انسان را فوز، فلاح و سعادت نامیده و مصداق آن را قرب به خدا می‌داند. بر این مبنا توسعه اقتصادی نه یک هدف، بلکه مقدمه‌ای برای فلاح انسان‌هاست. از این رو به هر قیمتی به دست نمی‌آید و حقوق اساسی آحاد بشر در آن محفوظ است.

۲-۴- عدالت در تکوین و تشریح؛ سرسلسله روابط

قرآن کریم فلسفه ارسال رسل و انزال کتاب و میزان را قیام مردم به عدالت می‌داند: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید، ۲۵). نیز همگان را به عدل و احسان امر می‌کند: «إن الله یأمر بالعدل و الاحسان» (نحل، ۹۰).

عدالت در واقع جوهره مکتب اسلام است و یک مفهوم قابل مباحثه بوده و به فرموده حضرت علی(ع) دارای وسعت است. عدالت اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف نظام‌های اقتصادی، به ویژه نظام اقتصادی اسلام است. آیات و روایات فراوانی بر اهمیت عدالت به طور کلی، و عدالت اقتصادی به صورت خاص تأکید دارند، تا جایی که می‌توان گفت: عدالت، ویژگی غیر قابل انفکاک شریعت اسلام است. امام علی(ع) عدالت را شرط ضروری استواری روابط مردم و حاکمیت و آهنگ پیشرفت جامعه می‌داند: «فاذا اذت الرعیه الی الوالی حقه وادی الوالی الیها حقها، عز الحق بینهم، وقامت مناهج الدین و اعتدلت معامل العدل، و جرت علی أذلالها السنن فصلح بذالک الزمان و طمع فی بقاء الدوله و یئست مطامع الاعداء و اذا غلبت الرعیه و الیها او اجحف الوالی برعیته، اختلفت هناک الكلمه و ظهرت معالم الجور و کثر الادغال فی الدین». (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). پس چون رعیت حق والی را بگزارد، و والی حق رعیت را بجای آرد، حق میان آنان بزرگ مقدار بشود، و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برجا، و سنت چنانکه باید اجرا، پس کار زمانه آراسته گردد و طمع در پایداری دولت پیوسته و چشم از دشمنان بسته، و اگر رعیت بر والی چیره شود و یا والی بر رعیت ستم کند، اختلاف کلمه پدیدار گردد و نشانه‌های جور آشکار و تبهکاری در دین بسیار".

عدالت در این نص، همان رعایت حقوق متقابلی است که خداوند برای تنظیم روابط و تعیین حدود و مرزهای حاکمیت و ملت، وضع کرده است. فرض این است که با اجرای این حقوق متقابل، طبیعی‌ترین رابطه بین مسئولان نهاد حکومت و

مردم و در نتیجه زمینه مشارکت مردم در حوزه سیاست، اقتصاد، فرهنگ، دفاع، امنیت، بهداشت، آموزش،... فراهم می‌شود. زیرا اعتماد عمومی نسبت به دولت و دولتمردان با زیر پا گذاشتن حقوق مردم از جانب حاکمیت ممکن نیست بارور شود، و با از بین رفتن این اعتماد، جامعه نسبت به این نهاد، بی تفاوت و احیاناً بیگانه می‌شود.

۳-۴- تعاهد و اعتماد؛ روبنای معرفتی

بی‌شک شرط ضروری امنیت و آرامش در جامعه، اعتماد متقابل و اطمینان از استیفا حقوق آحاد جامعه است. بدیهی است این موضوع از وظایف ذاتی حکومت‌ها است. اسلام حاکمیت و حکمیت به عدل و انصاف را لازمه تضمین حقوق متقابل افراد دانسته و همگان را به وفای به عقد و عهد خود فراخوانده است. قرآن کریم می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ" (مائده، ۱) یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها و قراردادهای خود (پیمان‌هایتان با خود مانند نذر و عهد و قسم و با مردم مانند عقود و قراردادهای دیگر، و با خداوند مانند التزام به احکام دین که از آن جمله التزام به حلیت و حرمت برخی از اشیاء است) وفا کنید. نیز می‌فرماید: "أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا" (اسراء، ۳۴). یعنی به پیمانتان وفا کنید (چه پیمان خدا با شما و چه پیمان شما با خدا و چه پیمان خودتان با یکدیگر) همانا پیمان (در روز جزا) مورد سؤال خواهد بود.

به‌طور طبیعی حسن وفای به عهد و قبح نقض عهد از فطریات بشر است و انسان در زندگی فردی و اجتماعی بی‌نیاز از عهد و وفای به آن نیست. قرآن کریم به رعایت وفای به عهد در همه معانی، و همه مصادیق تأکید شدید می‌کند. کسانی که عهد و پیمان را می‌شکنند، به شدیدترین بیان مذمت کرده و از سوی دیگر، کسانی را که پای‌بند وفای به عهد خویشند، در آیاتی بسیار ستوده است.

به همین جهت، خدای سبحان بسیار درباره حفظ عهد و وفای به آن، سفارش‌های نموده است. از آن جمله می‌فرماید: «و به پیمان‌ها وفا کنید که قطعاً پیمان‌ها مورد پرسش قرار خواهند گرفت» (اسراء: ۳۴). این آیه شریفه، مانند غالب آیاتی که وفای به عهد را مدح و نقض آن را مذمت کرده، شامل عهدهای فردی، بین دو نفری، اجتماعی، بین قبیله‌ای، قومی و امتی است. از نظر اسلام، وفای به عهدهای اجتماعی مهم‌تر از وفای به عهدهای فردی است؛ زیرا عدالت اجتماعی مهم‌تر و نقض آن بسیار ناپسند و نادیده گرفتن حقوق عمومی است.

۵- مبادی فقهی مدیریت انتظارات تورمی

با بررسی قواعد فقهی در می‌یابیم قواعد زیر در نحوه جبران انتظارات تورمی توسط مقام پولی جاری است:

۵-۱- قواعد لزوم و المؤمنون عند شروطهم

مقصود از لزوم این است که برای طرفین معامله بدون رضایت دیگری فسخ معامله و عقد جایز نیست (بجنوردی، ج ۵، ص ۵۹۱). در قاعده اصل لزوم به آیاتی استدلال شده است. آیه ۱ سوره مائده می‌فرماید: اوفوا بالعقود. این آیه دلالت بر وجوب تکلیفی وفای به عقد دلالت دارد. مراد از عقد نیز همه عهدها و پیمان‌هاست. بنابراین اگر عقدی بر تملیک مال به دیگری دلالت می‌کند، مقتضای آیه وجوب عمل به این مقتضاست. از این‌رو پس از عقد، تصرف در آن مال بدون رضایت طرف دیگر جایز نیست، چون مال در ملکیت دیگری درآمده است و فسخ یک طرفه جایز نیست و تصرف در مال حرام خواهد بود. یعنی از حکم تکلیفی وجوب وفا به عقد در می‌یابیم که فسخ یک طرفه عقد بدون رضایت دیگری جایز نیست.

معنای قاعده‌ی المؤمنون عند شروطهم نیز آن است که مؤمنان باید نسبت به شروطی که متعهد می‌شوند، ثابت و پابرجا باشند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ص ۳۳۵).

بدیهی است درباره پول‌های کنونی که با قرارداد و تعهد مقام پولی و مقام مالی منتشر می‌شوند، همانا دولت‌ها موظف به حفظ ارزش آن براساس معیارهای اقتصادی هستند. براساس قاعده «اصالت لزوم در عقود» نیز دولت‌ها موظف به حفظ ارزش پول به‌عنوان ضامن سرمایه ملی هستند. از این رو دولت‌ها نمی‌توانند اصل پایداری را به‌راحتی زیر پا بگذارند، چرا که حفظ منافع جامعه اسلامی یک حکم اولیه است. حکم حکومتی شامل هر چیزی است که در دایره مصلحت باشد. دولت اسلامی نمی‌تواند از این مسئله عدول کند، مگر به حکم ثانویه و در جایی که شارع مقدس به‌واسطه مصلحت حفظ اصل نظام آن هم تا زمان وجود مصلحت، به آن اجازه داده باشد. در صورت تشخیص مصلحت ضروری حفظ اصل نظام یا رشد اقتصادی که به حفظ اصل نظام و بقای آن برمی‌گردد، با شرط موقت بودن و اندازه مصلحت می‌تواند از روش مذکور استفاده کرد. تأمین کسری بودجه از طریق کاهش ارزش پول براساس همین حکم امکان‌پذیر می‌شود. اگر دولت بیاید و سیاست‌های پولی انبساطی را استفاده کند و کسری بودجه را با پولی شدن آن تأمین کند، دولت موظف است که خسارت وارد شده را جبران کند و از آنجا که قصد دولت فقط تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی است، همین مقدار داخل در مصلحت نظام است (توسلی و قلیچ، ۱۳۹۲). در اتخاذ سیاست پولی انبساطی به روش استقراض از بانک مرکزی، تنها تأمین مالی کسر بودجه موردنظر دولت بوده و در دایره مصلحت نظام قرار دارد. لیکن خسارتی را که از عمل به این سیاست بر طبقات کم‌درآمد و حقوق‌بگیر وارد می‌شود، موردنظر دولت نبوده و خارج از دایره مصلحت نظام است. پس این‌گونه خسارت باید به نحو مقتضی جبران شود (توسلی، ۱۳۸۳).

۲-۵- قاعده صحت

صحت به معنای وضعی عبارت است از حمل کردن افعال دیگران به صحت و ترتیب اثر دادن به آن. همچنین حمل عمل غیر به صحت بر سه نوع قابل تصور است: حسن ظن به دیگران، رفتار نیکو با دیگران و ترتیب اثر قائل شدن به اعمال دیگران. قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ (حجرات، ۱۲) یعنی «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است».

بر اساس آموزه های قرآنی و سنت معصومین علیهم السلام اصل بر صحت عمل مسلمانان است. طبیعی است عمل اشخاص حقوقی، به ویژه در حکومت اسلامی به طور اولی مشمول این قاعده هستند. مردم بر این مبنا قول و فعل مقام پولی را حمل به صحت می‌کنند و به آن ترتیب اثر می‌دهند. این امر به تعدیل انتظارات تورمی می‌انجامد.

۳-۵- قواعد سلطنت و احترام

بر اساس مفاد این قاعده انسان‌ها مسلط بر اموال شان هستند. این قاعده تثبیت کننده ارکان مالکیت در اقتصاد اسلامی است. اقتضای تسلط بر مال آن است که مالک بدون مانع بتواند از مال خود بهره‌برداری کند. به طور طبیعی تورم موجب تصرف حکمی در مال افراد می‌شود. مراد از قاعده احترام نیز این است که مال مسلمانان از هرگونه تجاوز و تصرف غیر، مصونیت دارد و اگر کسی بدون رضایت و اجازه مسلمان در مال وی تصرف کند متجاوز به مال نامیده می‌شود (مشایخی، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

۴-۵- قاعده ضمان ید

قاعده ضمان ید این است که هر کسی بر مال دیگری دست یابد، بدون آنکه از طرف مالک مأذون باشد، موظف به رد عین مال به صاحب آن است (ولایی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳). به عقیده فقها، مقتضای اولیه تصرف و یا استیلا بر مال دیگری، این است که متصرف در مقابل مالک ضامن است، یعنی علاوه بر آنکه مکلف به بازگرداندن عین در زمان بقای آن است، اگر مال مذکور تلف شود یا نقص و خسارت به آن وارد گردد، متصرف باید از عهده خسارت وارده نیز برآید (محقق داماد، ۱۳۷۸ش، ص ۷۵). بنابراین، در صورت ایجاد تورم انتظاری نیز مشابه مواردی همچون غصب و سرقت پول، طبق قاعده ضمان ید، آنچه به ذمه شخص می آید، در واقع همان قدرت خرید است و غاصب یا سارق، زمانی که بخواهند ذمه خود را مفرغ سازند، باید همان قدرت خریدی که به طور اعتباری به ذمه‌شان آمده و نیز منافع آن را پرداخت کنند تا تفریغ ذمه حاصل شود.

۵-۵- قواعد اتلاف و تسبیب

براساس قاعده اتلاف هرکس مال دیگری را بدون اجازه مالک آن تلف کند یا مصرف کند یا مورد بهره‌برداری قرار دهد، ضامن صاحب مال است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۱). از این رو تورم انتظاری ایجاد شده به سبب تعدی و تفریط مقام پولی یا سایر قوا و مقامات در صورتی که مدیون کاهش ارزش پول حاصل از تورم مذکور را جبران نکند، سبب تلف بخشی از مال مالک شده و در برابر وی ضامن است. براساس قاعده تسبیب نیز ایجاد و ترک هرگونه فعلی که منتهی به اتلاف می‌شود، تسبیب نامیده می‌شود. در تسبیب، عمل شخص به‌طور مستقیم و یا از طریق مباشر مال دیگری را از بین نمی‌برد، بلکه رابطه بین عمل شخص و تلف مال به این‌گونه است که اگر آن عمل واقع نشود، تلف مال نیز اتفاق نمی‌افتد. بنابراین، مطابق موازین فقه، هرگاه عمل شخص با واسطه باعث تلف

مال دیگری شود، وی ضامن و این عمل تسبیب محسوب می‌شود (محقق داماد، ۱۳۷۸، ص ۱۲۰).

۶-۵- قاعده لاضرر

قاعده لاضرر حاکم بر قواعد دیگر است و کار کنترل و تعدیل دیگر قواعد را بر عهده دارد. ضمانت اجرای خون مؤمن، هدر نبودن آن است که با وجود شرایطی موجب قصاص می‌شود و با تحقق شرایط دیگر، موجب دیه خواهد شد. همین ضمانت اجرا در مال هم وجود دارد، بنابراین اگر کسی مال دیگری را تلف کند، ضامن جبران آن خواهد بود (خمینی، ۱۳۸۰ ش، ج ۲، ص ۲۷۹).

۷-۵- قاعده غرور

غرور به معنای خدعه و فریب است و معنی قاعده غرور این است که هرگاه از شخصی عملی صادر شود که باعث فریب خوردن و وارد شدن زیانی به دیگری شود، ضامن اوست و باید خسارت وارده را جبران کند، هر چند شخص اول قصد فریب دادن شخص دوم را نداشته باشد و ناآگاه بوده و خودش نیز فریب خورده باشد. شخص اول را غار (فریب دهنده) و شخص دوم را مغرور (فریب خورده) می‌نامند (لطفی، ۱۳۸۵، ص ۵۲).

با توجه به قواعد مذکور فرض اساسی در الگوی بانکداری اسلامی، نفی جدایی منافع مقام پولی از منافع مردم، نفی سوءظن و بلکه حسن اعتماد متقابل و نیز منع فریب و لزوم صیانت از ارزش پول و حتی لزوم جبران زیان وارده به قدرت خرید پول در اختیار مردم است. بدیهی است هرگونه دستکاری و نیز افراط و تفریط در حفظ قدرت خرید پول توسط مقام پولی و سایر مقامات موجب ضمان بوده و تلف‌کننده، واردکننده زیان و یا فریب‌دهنده موظف به جبران خسارت وارده به مردم می‌باشد.

۶- الگوی پیشنهادی

الگوی پیشنهادی، تصریح شکل‌گیری انتظارات در اندیشه اسلامی در تابع جبران زیان براساس الگوی برو (۱۹۸۳) است که در دو حالت مصلحت‌گرایی و قاعده‌گذاری مقام پولی برای کنترل تورم اعمال می‌شود.

۶-۱- مصلحت‌گرایی

مسئله شهرت مقام پولی در قالب حداقل‌سازی تابع زیان خالص جامعه تصریح می‌شود. برنامه‌ریز به دنبال حداقل‌کردن $E(z_t)$ ، ارزش حال زیان خالص اجتماعی ناشی از تورم است.

$$E(z_t) = \frac{\alpha}{2} \cdot \pi_t^2 - \beta (\pi_\pi - \pi^e) \quad (1)$$

$\frac{\alpha}{2} \cdot \pi_t^2$ هزینه ناشی از تورم و $\beta(\pi_\pi - \pi^*)$ سود ناشی از افزایش تورم است. α و β ، مقادیر مثبت و بزرگ‌تر از یک هستند. با مشتق‌گیری از تابع مذکور، مقدار تورم بهینه از رابطه (۲) به دست می‌آید.

$$\pi_\pi = \frac{\beta}{\alpha} \quad (2)$$

با قراردادن رابطه (۲) در (۱)، به سبب آنکه تورم انتظاری با تورم برابر است، تابع زیان خالص اجتماعی به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$E(z_t) = \frac{\beta^2}{2\alpha} \quad (3)$$

در اندیشه اسلامی، افزایش تورم لزوما باعث افزایش انتظارات تورمی نمی‌شود. زیرا که براساس اصل کلامی تعاهد هر فرد خود را نسبت به حکومت مسئول دانسته و حکومت هم نسبت به افراد مسئولیت دارد. بنابراین، اگر دولت به هر دلیلی دچار کسری در تأمین نیازها شود، به‌هیچ وجه مردم بدبینانه به رفتارهای وی نگاه نمی‌کنند و اقدامی انجام نمی‌دهند که منجر به تشدید تورم گردد. در واقع با فرض اصل تعاهد و قاعده صحت، ارتباط تورم با انتظارات تورمی به‌صورت زیر می‌گیرد.

$$\pi^e = \gamma_0 + \gamma_1 \cdot \pi_t \quad (۴)$$

که در آن $0 < \gamma_1 < 1$ و $\gamma_0 < 0$. این ضرایب بیانگر آن است که اول آنکه انتظارات تورمی در اندیشه‌ی دینی اگرچه از دولت هم متأثر می‌شود ولی تمام آن از دولت نیست. بنابراین γ_0 ، بخشی از انتظارات تورمی است که ریشه آن دولت نیست، بلکه اعتقاد به حکومت، حفظ منافع ملی و عزت، اقتدار نظام اسلامی است. در واقع عوامل درونزا است. لیکن بخشی دیگر متأثر از رفتارهای دولت و به‌صورت خاص رفتار دولت در بروز تورم است که این قسمت نیز به صورت کاهنده منجر به افزایش تورم انتظاری می‌شود. زیرا اول آنکه مردم در یک جامعه اسلامی سطحی نگر و کوتاه‌بین نیستند و به‌دلیل اصل ولایت و حکومت، اهداف اقتصادی مردم و دولت در حکومت اسلامی مشترک است. این مسئله باعث خوش‌بینی و اعتماد مردم شده و باعث می‌شود تغییرات در تورم با ضریب کم‌تری باعث افزایش انتظار تورمی شود. در واقع مردم به برنامه‌ریز و مقام پولی در حکومت اسلامی حسن ظن دارند. بنابراین $0 < \gamma_1 < 1$ می‌شود.

با قراردادن رابطه (۴) در (۱)، فرایند بهینه‌سازی برقرار می‌شود. در حالت سیاست مصلحتی، از تابع مشتق می‌گیریم. انتظارات تورمی با تورم برابر است.

$$\pi_t = \frac{\beta(1-\gamma_1)}{\alpha} \quad (۵)$$

با قراردادن مقدار تورم مذکور- که از تورم استخراج شده در رابطه (۲) کمتر است- در رابطه (۱) تابع هزینه اجتماعی رابطه زیر حاصل می‌شود.

$$E(z_t) = \frac{\alpha}{2} \cdot \pi_t^2 - \beta\pi_t(1 - \gamma_1) + \beta\gamma_0 \quad (۶)$$

با قراردادن تابع تورم از رابطه (۵) در رابطه فوق، زیان اجتماعی به شرح زیر می‌شود:

$$E(z_t) = \frac{\beta^2}{2\alpha} \cdot [(1 - \gamma_1)^2] - \frac{\beta^2}{\alpha} (1 - \gamma_1)^2 + \beta\gamma_0 \quad (۶')$$

عبارت‌های $-\frac{\beta^2}{\alpha}(1 - \gamma_1)^2$ و $\beta\gamma_0$ ، مقادیر منفی هستند. عبارت $[(1 - \gamma_1)^2]$ به ازای هر مقدار γ_1 که بین صفر و یک است، بنابراین کوچک‌تر از یک است. بنابراین مقدار زیان اجتماعی در رابطه (۶)، کمتر از رابطه (۳) می‌شود. پس مشاهده می‌شود که با وارد کردن انتظارات براساس ارزش‌های اسلامی، زیان اجتماعی خالص برنامه‌ریز کاهش می‌یابد.

۲-۶- قاعده‌گرایی

حال اگر دولت بخواهد قاعده سیاست پولی را به‌گونه‌ای اعمال کند که هدف آن صفر کردن تورم باشد. در صورتی که دولت بتواند به تعهد خود عمل کند، رابطه (۱) به صورت زیر می‌شود:

$$E(z_t) = \beta\pi^e \quad (۷)$$

با وارد کردن رابطه (۴)، اصل تعاهد و قاعده صحت در رابطه فوق، به صورت زیر می شود:

$$E(z_t) = \beta\gamma_0 + \beta\gamma_1 \cdot \pi_t \quad (۸)$$

از آنجا که π_t ، صفر فرض شد بنابراین زیان اجتماعی در شرایط جدید به صورت زیر می شود:

$$E(z_t) = \beta\gamma_0$$

با توجه به آنکه γ_0 ، منفی است، عبارت فوق منفی می شود. در واقع به کارگیری انتظارات در اندیشه دینی باعث می شود که در صورت اعمال قاعده سیاست پولی، زیان اجتماعی کم تر از قاعده سیاست پولی برو باشد. همان طور که جدول شماره (۱) مشاهده می شود به کارگیری انتظارات در اندیشه دینی چه در قالب سیاستگذاری مصلحتی و چه سیاستگذاری قاعده مند، می تواند زیان اجتماعی کم تری داشته باشد.

جدول شماره ۱: مقایسه ی زیان اجتماعی ناشی از سیاست های مصلحتی و قاعده گذاری مبتنی بر شکل گیری انتظارات تورمی

زیان اجتماعی با اعمال قاعده هدف تورمی	زیان اجتماعی با سیاست مصلحتی	
$Z_3=0$	$Z_1 = \frac{\beta^2}{2\alpha} > 0$	شکل گیری انتظارات در نظام بانکداری متعارف
$Z_4 = \beta\gamma_0 < 0$	$Z_2 = \frac{\beta^2}{2\alpha} \cdot [(1 - \gamma_1)^2] - \frac{\beta^2}{\alpha} (1 - \gamma_1)^2 + \beta\gamma_0 < Z_1$	شکل گیری انتظارات در نظام بانکداری اسلامی

مأخذ: نتایج تحقیق

۳-۶- سیاست فریب

براساس سیاست فریب، مقام پولی، قول می‌دهد که تورم را در سطح حداقل نگه دارد. یعنی به تعهدات خود برای جلوگیری از افزایش تورم عمل کند. این مسئله باعث می‌شود که انتظارات تورمی بنگاه‌های اقتصادی صفر شود یعنی $\pi^e = 0$ لیکن همانطور که در بخش اول مقاله اشاره شد، چون مقام پولی با افزایش تورم، اضافه بر تورم انتظاری، منفی کسب می‌کند؛ نرخ تورم در این حالت صفر نبوده و با فرض رفتار بهینه در استخراج نرخ تورم، در عمل سیاست‌های پولی را به گونه‌ای اعمال می‌کند که مقدار بهینه تورم مانند آنچه که از رابطه (۲) استخراج می‌شود، حاصل شود. با قرار دادن مقدار تورم بهینه در تابع زیان رابطه (۱) با فرض تورم بهینه معادل $\frac{\beta}{2a}$ و انتظارات تورمی صفر، تابع زیان مقام پولی به صورت $-\frac{\beta^2}{2a}$ می‌شود.

اکنون پرسش این است که در چه شرایطی مقام پولی به سراغ سیاست فریب نمی‌رود. در نظام بانکداری متعارف، سود ناشی از سیاست فریب بیش‌تر از قاعده (دومین بهترین) است. بنابر این شرط آنکه سیاست فریب از نظر اقتصادی مورد استفاده قرار نگیرد آن است که زیان اجتماعی ناشی از قاعده‌گرایی از منظر اندیشه دینی کم‌تر از زیان اجتماعی ناشی از سیاست فریب باشد. یعنی

$$\beta\gamma_0 < -\frac{\beta^2}{2a}$$

با حذف β از طرفین می‌شود:

$$\gamma_0 < -\frac{\beta}{2a}$$

از آنجا که در رابطه (۲) عبارت $\frac{\beta}{a}$ میزان تورم بهینه است، شرط عدم استفاده از قاعده فریب آن است که:

$$\gamma_0 < -\frac{\pi^*}{2}$$

یعنی اگر ارزش کمی آن بخش از انتظارات جامعه، نسبت به تورم، که متأثر از بینش‌ها، ارزش‌ها و باورهای درونی- اعتقاد به حکومت، حفظ منافع ملی و عزت، اقتدار نظام اسلامی- کم‌تر از منفی نصف تورم بهینه باشد، استفاده از سیاست فریب معنا ندارد. در واقع هر میزان افزایش ۷۰٪، بیش‌تر باشد، اعمال سیاست فریب از نظر اقتصادی از توجیه و اعتبار ساقط می‌شود. این خود ضرورت توجه به بینش عمیق اسلام در ارتقای زندگی اجتماعی و فردی به‌صورت عام و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی غیر فریب کارانه، به‌صورت خاص است.

جمع‌بندی و پیشنهادات

در این مقاله، ریشه‌های انتظارات تورمی در نظام سرمایه‌داری مورد ارزیابی قرار گرفت. نشان دادیم که اول آنکه ریشه‌های شکل‌گیری انتظارات تورمی در نظام سرمایه‌داری با توجه به آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه مبادی کلامی و قواعد فقهی نقدپذیر است. دوم آنکه، مقام پولی در نظام بانکداری اسلامی مجاز به استفاده از سیاست فریب، جهت افزایش منافع نیست. سوم آنکه، در الگوی پیشنهادی جدید مبتنی برالگوی شهرت برو (۱۹۸۳)، نشان داده شد، با در نظر گرفتن ریشه‌های شکل انتظارات تورمی در اندیشه اسلام، همچون اصل تعاهد و قاعده صحت و در نتیجه حسن‌ظن به مقام پولی، بدون استفاده از سیاست فریب، می‌توان منافع بیش‌تری برای جامعه در چارچوب روش‌های مصلحت‌گرایی^۱ و قاعده‌گرایی^۲ سیاست پولی به‌دست آورد.

به‌طور کلی مبادی کلامی و فقهی دین اسلام اقتضا دارد که فرض اساسی در الگوی بانکداری اسلامی، نفی جدایی منافع مقام پولی از منافع مردم، نفی سوءظن و بلکه حسن اعتماد متقابل و نیز منع فریب و لزوم صیانت از ارزش پول و حتی

^۱ Discretion

^۲ Rule

لزوم جبران زیان وارده به قدرت خرید پول در اختیار مردم باشد. بدیهی است هرگونه دستکاری و نیز افراط و تفریط در حفظ قدرت خرید پول توسط مقام پولی و سایر مقامها موجب ضمان بوده و تلف کننده، واردکننده زیان و یا فریب‌دهنده موظف به جبران خسارت وارده به مردم است.

براساس یافته‌های این مقاله پیشنهاد می‌شود مقام‌های اقتصادی، به‌ویژه مقام پولی با توجه به آموزه‌های کلامی دین اسلام در قلمرو باورها و نیز آموزه‌های فقهی آن در قلمرو رفتار بدون مصلحت‌اندیشی و یا سیاست فریب و فقط براساس قاعده هدف تورمی نسبت به تصحیح انتظارات تورمی مردم اقدام و با جلب اعتماد ایشان نسبت به حذف تورم انتظاری در یک بازه زمانی متناسب اقدام کنند.

کتاب‌نامه

الف - فارسی

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه، ترجمه علی شیروانی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها،
نشر معارف، ۱۳۹۰.

پورفرد، مسعود: مبانی و مبادی اندیشه سیاسی شهید صدر، فصلنامه حکومت
اسلامی دوره ۱۳، شماره ۴، ۱۳۸۷.

توسلی، محمداسماعیل: محدودیت‌ها و مسئولیت‌های دولت اسلامی در پولی -
کردن کسری بودجه، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۴، ۱۳۸۳.

حسینی بهشتی، سید محمد: سه گفتار، بی‌جا، بی‌نا.

خمینی، روح‌الله: مکاسب محرمة، ج ۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام
خمینی (ره)، ۱۳۸۰.

فرانکل، جاکوب: استقلال بانک مرکزی و سیاست پولی، چهارم مقاله پیرامون
بانکداری مرکزی، ترجمه: علی حسن‌زاده و نسرین ارضروم چیلر، تهران، پژوهشکده
پولی و بانکی، ۱۳۸۲.

کمیجانی، اکبر و سایرین: *هدف اصلی سیاست پولی و نهاد تعیین کننده آن در نظام اقتصادی اسلام*، فصلنامه معرفت اقتصادی، سال سوم، شماره دوم، پیاپی ششم، ۱۳۹۱.

لطفی، اسدالله: *قواعد فقه مدنی*. چاپ چهارم، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۸۱.

محقق داماد، سید مصطفی: *قواعد فقه بخش مدنی*، نشر علوم اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.

مشایخی، قدرت الله: *قاعده های فقهی*. چاپ دوم، تهران، سمت و دانشگاه الزهرا (س)، ۱۳۸۳.

مطهری مرتضی: *مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی*، جلد ششم: زندگی جاوید یا حیات اخروی، چاپ هفتم، صراط، تهران، ایران، ۱۳۷۲.

موسوی بجنوردی، سیدمحمد: *قواعد فقهیه*، ج ۱، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۷.

ولایی، عیسی: *قواعد فقهی*، انتشارات دارالفکر، چاپ اول، ۱۳۸۷، ش ۱۳۸۷.

Arifovic Jasmina and Kostyshyna Olena,(2005): *Optimal Cheating in Monetary Policy with Individual Evolutionary Learning*.

Barro,J,Robert,(1983): *Rules, Discretion and reputation in a model of monetary policy*, *Journal of Monetary Economics* 12,pp: 101-121

Barro,J,Robert,(1986) *Reputation in a model of monetary policy with incomplete information*. *Journal of Monetary Economics* 17,pp: 3-20.

Durham, Martin,B.(1976):*Elements of stagflation Theory*, *Zeitschrift Fur Nationalokonomie*,(36),PP:1-8.

Edward Nelson; Kalin Nikolov.(2002): *Bank of England Working Paper*. Introduction,

Kydland, Finn, Prescott, Edward.(1977):*Rules Rather than Discretion: The Inconsistency of Optimal Plans*. *The Journal of Political Economy*. 85, No. 3, pp. 473-492

Woodford, Michael,(2004) *Inflation Targeting and Optimal Monetary Policy*, *Federal Reserve Bank of St. Louis Review*, July/August 2004, 86(4), pp. 15-41